

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

کارگاه آنلاین
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی
بین المللی و
ترند های جستجو

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال نهم شماره ۳۵ پاییز ۱۳۹۳

بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی در تعامل با سبک‌های یادگیری بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه اول دبیرستان

یوسف ادیب^۱

ملیحه صفر علی‌زاده^۲

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی در تعامل با سبک‌های یادگیری بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه اول دبیرستان انجام گرفت. این تحقیق از نوع نیمه آزمایشی یا پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه کنترل بود. در راستای هدف پژوهش، از جامعه دانش‌آموزان دختر پایه اول دبیرستان‌های شهرستان ارومیه دادند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، تعداد ۱۲۴ نفر انتخاب و در ۴ گروه آزمایشی و کنترل جایگزین شدند. برای اندازه‌گیری متغیرها میزان از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی گرشام و لیوت و آزمون گروهی اشکال نهفته ویتکن استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل کواریانس دو راهه، نشان داد که یادگیری مشارکتی در تعامل با سبک‌های شناختی بر نمرات مهارت‌های اجتماعی تأثیری در یادگیری وابسته به زمینه روش مشارکتی نسبت ندارد هر چند که در شرایط به روش سنتی تأثیر بیشتری بر رشد مهارت‌های اجتماعی دارد.

واژگان کلیدی: یادگیری مشارکتی، مهارت‌های اجتماعی و سبک‌های یادگیری

۱- دانشیار گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه تبریز

۲- کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی و آموزگار استثنایی ناحیه یک شهرستان ارومیه

Email:rsafaralizade@yahoo.com

مقدمه

برای کسب مهارت‌های مثبت در زندگی، افراد به مهارت‌های خاصی در حوزه‌های مانند ریاضی، سوادآموزی و زندگی مستقل نیاز دارند. اما این مهارت‌ها پیامدهای موفقیت‌آمیزی را در صورت فقدان مهارت‌های اجتماعی مناسب تضمین نمی‌کنند. مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از رفتارهای هدفمند، بهم مرتبط و متناسب با وضعیتی که آموختنی بوده و تحت کنترل شناختی فرد می‌باشند، تعریف می‌شود (آفورتوس^۱، ۱۹۹۹). مهارت‌های اجتماعی توانایی انجام رفتارهایی هستند که در توانمندسازی یک فرد برای کسب قابلیت اجتماعی مهم هستند (اسپنس^۲، ۲۰۰۳) و مجموعه رفتارهای آموخته شده قابل قبولی که فرد را توانا می‌سازد تا با دیگران ارتباط موثری داشته و از واکنش رفتارهای نامعقول اجتماعی دوری کند (گرشام و الیوت^۳، ۱۹۹۰). مهارت‌های اجتماعی شامل ابعادی مانند: ارتباط، حل مسئله و تصمیم‌گیری، جرئت‌ورزی، تعامل با همسالان و گروه و خود‌مدیریتی است (آیدوگان^۴ و همکاران، ۲۰۰۹). لذا، دارا بودن این مهارت‌ها موجب بهبود استقلال و کیفیت مطلوب زندگی می‌شود و برای سازش‌یافتگی اجتماعی و کارکرد بهنجار فرد مهم هستند (متسون و همکاران^۵، ۲۰۰۳). آموزش مهارت‌های اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری و رشد روابط اجتماعی، کیفیت تعاملات اجتماعی و حتی بهبود سلامت روان فرد دارد (تئودورو^۶ و همکاران، ۲۰۰۵). کمبود مهارت‌های اجتماعی (گوش دادن، پیروی از دستورات و درخواست کمک) منجر به بروز مشکلاتی در کسب مهارت‌های اجتماعی (سارجنت^۷ به نقل از ارسلان و ساکوگلو^۸، ۲۰۰۷) و سازگاری و عملکرد تحصیلی ضعیف فراگیران می‌شود (کول و دادج^۹، ۱۹۸۸). نتایج تحقیقات نشان داده است که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر حل مشکلات آموزشی و افزایش علاقه فرد بر درس و ادامه تحصیل، بهبود روابط اجتماعی و سلامت جسمانی و روانی، بهبود روابط فرد با همسالان

1- Agoratu
3- Gresham & Elliott
5- Matson & et al
7- Sargant
9- Cole & Dod

2- Spence
4- Aydogan
6- Teodero
8- Arsalan & Sucoglu

و بزرگسالان و افزایش ظرفیت آنان را برای توجه برانجام تکالیف درسی، کاهش مشکلات رفتاری تأثیر مثبتی دارد (میلیسوم و جیان ویله^۱، ۲۰۱۰، بریفتون^۲، ۲۰۱۰، کامپزوکای^۳، ۲۰۰۲ و هنسی^۴، ۲۰۰۷). در رویکرد برینیر، خانواده، دوستان و مدرسه عامل مهم در توسعه مفاهیم اجتماعی هستند که فراگیران بیشتر وقت خود را با آنها صرف می‌کنند (سانتراک^۵، ۲۰۱۱). ورود دانش‌آموزان به محیط اجتماعی مانند مدرسه میزان درک آنان از قوانین را تحت تأثیر قرار می‌دهد و یکی از بخش‌های مهم آموزش در مدرسه این است که ما رشد اجتماعی را برای افراد در جوامع به‌وجود آوریم و آنها را برای رسیدن به تعادل و سازگاری با محیط خود توانمند سازیم (سیمن و همکاران^۶، ۲۰۱۰). کاتز و همکاران معتقدند که مهارت‌های اجتماعی نوعی از رفتارهایی هستند که در یک موقعیت اجتماعی بروز می‌کند (به نقل از سیکیر و همکاران^۷، ۲۰۰۹). آموزش مهارت‌های اجتماعی تأثیر مهمی بر کارکردهای کلی فرد دارند و کسب این مهارت‌ها می‌تواند تأثیر مهمی بر کارکردهای انطباقی، تحصیلی، توان بالقوه افراد برای زندگی و آموزش در محیطی با کمترین مشکل را داشته باشد (فاسیل^۸ و همکاران، ۲۰۰۰). مالیکای و الیوت^۹ (۲۰۰۲) طی تحقیقی به ارتباط مستقیم مهارت‌های اجتماعی و کارکرد تحصیلی اشاره کرده‌اند. متأسفانه همه افراد، موفق به فراگیری این مهارت‌ها نمی‌شوند و به همین علت این افراد با واکنش‌های منفی از سوی بزرگسالان و همسالان روبرو می‌شوند. بنابراین، اکتساب و تحول مهارت‌های اجتماعی برای همه افراد ضروری است. زیرا افزایش مهارت‌های اجتماعی، باعث افزایش مهارت‌های سازگاری و تطابقی و همچنین کاهش مشکلات رفتاری فراگیران می‌شود (گرشام، ۱۹۸۱، مک کلیلند و موریسون^{۱۰}، ۲۰۰۳). ولی این مهارت‌ها با توجه به اهمیت اجتماعی به‌طور طبیعی به‌دست نمی‌آیند و دانش‌آموزان برای اجتماعی شدن نیاز به آموزش دارند. سارجنت معتقد است که مهارت‌های اجتماعی را می‌توان از طریق روش‌های آموزش مستقیم، آموزش مشارکتی و راهنمایی همسالان

1- Milsom & Gianville
3- Kamps & Kay
5- Santrock
7- Secer & et al
9- Malecki & Elliott

2- Btighton
4- Henssey
6- Ciman & et al
8- Fussel
10- McClelland & Morrison

و حل مسئله آموزش داد (به نقل از ارسلان و ساوگلو، ۲۰۰۷). در روش مشارکتی دانش‌آموزان به‌طور موثری با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و از یک سری مهارت‌های اجتماعی بهره‌مند می‌شوند تا عملکرد موفقیت‌آمیزی داشته باشند (هنری^۱، ۲۰۰۵) و با ایجاد فرصت بیشتر برای انجام کار با یکدیگر و تعامل با اعضای گروه، آن کار را بهتر انجام می‌دهند. حمایت‌های اجتماعی که شکل مهمی از جو روانی کلاسی در این روش هستند، پیشرفت تحصیلی، سلامت روانی و جسمانی و مدیریت استرس دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (گایت^۲، ۲۰۰۲). پژوهشگران طی پژوهش‌های متعددی به این نتیجه رسیدند که روش یادگیری مشارکتی بر رشد اجتماعی و شناختی، رشد استدلال اخلاقی، حمایت اجتماعی، دوستی، سلامت روان، عزت‌نفس و دستاوردهای انگیزشی تأثیر مثبتی دارد (جانسون و همکاران^۳، ۲۰۰۰) و همچنین نتایج تحقیقات محققان در زمینه بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی نشان داد که یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی فراگیران تأثیر مثبتی دارد (کرامتی، ۱۳۸۶، قلاتاش، ۱۳۸۳، سرمستی، ۱۳۹۰، حسینی‌نسب و سلطانی، ۱۳۹۰، شکاری، ۱۳۹۱، فهامی و عزتی، ۱۳۸۸، بیابانگرد و شکیب، ۱۳۸۱، آرتوت^۴، ۲۰۱۰، کاگان^۵، ۲۰۰۲، هیل^۶، ۲۰۰۰). با این حال به‌نظر می‌رسد متغیرهای دیگری در اثرپذیری از یادگیری مشارکتی نقش داشته باشد. لذا، درک چگونگی یادگیری دانش‌آموزان محور تصمیم‌گیری درباره چگونگی آموزش معلمان است چون دانش‌آموزان از لحاظ روش‌های آموختن، سبک و سرعت یادگیری با هم تفاوت دارند، یعنی آن‌ها علی‌رغم داشتن امکانات و شرایط مناسب مطالب را خوب یاد نمی‌گیرند و میزان یادگیری آن‌ها در یک موقعیت یکسان متفاوت است. سبک‌های یادگیری، یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد مهارت‌های اجتماعی است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که یکی از ویژگی‌های فردی فراگیران که بر اثر بخش بودن مداخله‌های آموزشی تأثیر می‌گذارد، سبک‌های یادگیری فراگیران است (لایگل و جانیکای^۷، ۲۰۰۶). سبک‌های یادگیری به چگونگی یادگیری فراگیران اشاره می‌کند نه به

1- Henry
3- Jahnson & et al
5- Kagan
7- Liegle & Janicki

2- Ghaith
4- Artut
6- Hill

اینکه او چه چیزی را یاد می‌گیرد (هنت^۱ به نقل از یازبسیلار و گوین^۲، ۲۰۰۹). از سبک‌های یادگیری تقسیم بندی‌های متعددی ارائه شده است، یکی از مهم‌ترین آنها سبک‌های وابسته به زمینه و نایسته به زمینه است که اولین بار ویتکن آن را مطرح کرد و بیانگر آن است که قضاوت‌های شخصی بعضی یادگیرندگان تحت تأثیر زمینه موضوع یادگیری قرار می‌گیرد، در حالی که تأثیر زمینه برای بعضی یادگیرندگان بسیار اندک است یا اصلاً وجود ندارد (ویتکن و همکاران، ۱۹۷۱). بنابه نظرویتکن و گودیناف^۳، یادگیرندگان وابسته به زمینه نسبت به یادگیرندگان نایسته به زمینه، موضوعات اجتماعی را بهتر یاد می‌گیرند و حساسیت بیشتری نسبت به دیگران دارند و چون دوست دارند با دیگران ارتباط برقرار کنند، در موقعیت‌های آموزشی (بحث‌های گروهی) که در ارتباط با همکلاسی‌ها هستند، بهتر یاد می‌گیرند (به نقل از امامی‌پور و شمس اسفندآباد، ۱۳۸۶). بنابراین، دانش‌آموزان با سبک وابسته به زمینه در تعاملات اجتماعی قوی‌تر هستند و موضوعات مرتبط با مهارت‌های اجتماعی را بهتر فرا می‌گیرند و دوست دارند تعاملات متقابلی با دوستان و همکلاسی‌های خود داشته باشند. زمانی که معلمان در استفاده از روش یادگیری مشارکتی به سبک‌های شناختی دانش‌آموزان که عمدتاً در چگونگی برخورد دانش‌آموزان با موضوع‌های مختلف یادگیری و نحوه فراگیری، نگهداری و استفاده از یادگیری‌ها تأثیر می‌گذارد، توجه کنند این امر می‌تواند موجب رشد مهارت‌های اجتماعی فراگیران شود. مهارت‌های اجتماعی، اساس تمام فعالیت‌های انسان در همه زمینه‌ها (تحصیلی، شغلی و اجتماعی) هستند و با توجه به نقش اساسی مهارت‌های اجتماعی در روابط میان فردی و ویژگی اکتسابی بودن آنها از یک‌سو و ارتباط مهارت‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی و سبک یادگیری فراگیران و نقش آن‌ها در کاهش مشکلات روحی و اخلاقی از سوی دیگر، فرصت آموزش آن‌ها کاملاً احساس می‌شود و ضرورت دارد مقدمات به‌کارگیری روش‌های مشارکتی در تعامل با سبک‌های یادگیری در کلاس‌های درس فراهم شود، تا اینکه در آموزش مهارت‌های اجتماعی فراگیران مفید واقع شود. کمبود پژوهش‌ها در ارتباط با تأثیر یادگیری مشارکتی در تعامل با سبک‌های یادگیری بر رشد مهارت‌های اجتماعی چه

1- hant
3- Witkin & Goodenough

2- Yazicilar & Guven

در سطح جهانی و چه در ایران، از دیگر ضرورت‌ها و اهمیت‌های این پژوهش بود. بنابراین، هدف تحقیق حاضر، بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی در تعامل با سبک‌های شناختی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه اول دبیرستان بود.

روش

جامعه و نمونه آماری، روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق کلیه دانش‌آموزان دختر پایه اول دبیرستان نواحی دوگانه شهر ارومیه در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ بودند که از بین آنان ۱۲۴ نفر دانش‌آموز در قالب چهار کلاس درس ریاضی انتخاب شدند. از این تعداد دو کلاس به‌طور تصادفی در گروه آزمایشی و دو کلاس در گروه کنترل قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری بدین شکل بود که از بین مدارس در هر ناحیه یک مدرسه به‌طور تصادفی انتخاب شد و سپس از هر مدرسه دو کلاس به‌طور تصادفی انتخاب شدند و از این دو کلاس یکی به‌طور تصادفی در گروه آزمایشی و دیگری در گروه کنترل قرار گرفت. در مجموع، حجم نمونه تحقیق شامل چهار کلاس (۱۲۴ نفر) در دو مدرسه است که از بین آنها دو کلاس (۶۲ نفر) گروه آزمایشی و دو کلاس (۶۲ نفر) گروه کنترل را تشکیل می‌دادند. روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای بوده است. طرح پژوهشی، طرح نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بوده است. متغیر مستقل پژوهش، روش یادگیری مشارکتی و متغیر وابسته، رشد مهارت‌های اجتماعی می‌باشد. سبک یادگیری نیز به‌عنوان متغیر میانجی مدنظر قرار گرفتند.

پیش از اجرا، معلمان گروه آزمایشی توسط محقق در قالب دو جلسه، آموزش‌های لازم را در زمینه اصول یادگیری مشارکتی و تنظیم طرح درس ریاضی در قالب روش مذکور و کاربرد یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی (همکاری، همدلی و...) آموزش داده شد و منابعی در رابطه با روش مشارکتی و فواید آن در رشد مهارت‌های اجتماعی در اختیارشان قرار داده شد و در ضمن دوره نیز محقق به‌طور مستمر با معلمان

در ارتباط بود و راهنمایی لازم را در اختیار معلمان قرار می‌داد. روش اجرای تحقیق بدین‌گونه بود که پس از نمونه‌گیری، آزمودنی‌ها به‌طور تصادفی به گروه‌های کنترل و آزمایشی تقسیم شدند. پس از تأیید روایی و پایایی آزمون اشکال نهفته ویتکن و آزمون مهارت‌های اجتماعی گرشام و الیوت، ابتدا آزمون مهارت‌های اجتماعی گرشام و الیوت برای آزمودنی‌های هر دو گروه (کنترل و آزمایشی) به شیوه یکسان اجرا گردید. سپس برای جداکردن آزمودنی‌های وابسته به زمینه و نوابسته به زمینه از آزمون گروهی اشکال نهفته استفاده گردید، بدین ترتیب که پس از اجرای آزمون، میانه نمرات کل آزمودنی‌ها در آزمون گروهی اشکال نهفته ویتکن محاسبه شد که برابر با ۹ شد، آزمودنی‌هایی که نمرات آن‌ها در این آزمون کمتر از ۹ بود، وابسته به زمینه و آزمودنی‌هایی که نمرات آنها مساوی یا بیشتر از ۹ بود، نوابسته به زمینه در نظر گرفته شدند. گروه آزمایشی طی ۱۵ جلسه آموزشی ۹۰ دقیقه‌ای به روش مشارکتی^۱ (STAD) و گروه کنترل به روش سنتی در درس ریاضی آموزش دیدند. پس از پایان ۱۵ جلسه آموزشی دوباره از گروه‌های (کنترل و آزمایشی) آزمون مهارت‌های اجتماعی به‌عمل آمد و نتایج دو آزمون با یکدیگر مقایسه گردید.

ابزارهای اندازه‌گیری

الف) آزمون گروهی اشکال نهفته ویتکن: در این پژوهش برای مشخص کردن سبک‌های یادگیری آزمودنی‌ها از آزمون گروهی اشکال نهفته^۲ (GEFT) استفاده شد. این آزمون توسط ویتکن و همکاران در سال ۱۹۷۱ برای ارزیابی سبک‌های وابسته و نوابسته به زمینه تهیه شده است. این آزمون شامل ۲۵ تصویر پیچیده است و از آزمودنی خواسته می‌شود، در هر تصویر یکی از اشکال هندسی ساده فرم نمونه را در درون یک طرح پیچیده را پیدا کرده و پررنگ کند. پایایی آزمون گروهی اشکال نهفته را با روش بازآزمایی برای مردان و زنان ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند که با پایایی بازآزمایی آزمون اشکال نهفته اصلی مطابقت دارد. ضریب روایی ملاکی این آزمون برای مردان ۰/۸۲ و زنان ۰/۶۳ به‌دست آمده است

1- Student Team-Achievement Division (STAD) 2- Group Embedded Figures Test (GEFT)

(بوساکی^۱ و همکاران، ۱۹۹۷). برای برآورد پایایی این آزمون در یک نمونه ۴۰ نفری، از روش بازآزمایی بافاصله ۱۰ روز استفاده گردید که اعتبار آن ۰/۷۶ به دست آمد.

ب) **مقیاس درجه‌بندی مهارت‌های اجتماعی:** در این تحقیق برای سنجش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان از مقیاس درجه‌بندی مهارت‌های اجتماعی استفاده گردید. این مقیاس را گرشام والیوت در سال ۱۹۹۰ ساختند و دارای سه فرم ویژه والدین، معلمان و دانش‌آموزان است و برای سه دوره پیش دبستانی، دبستان و دبیرستان طراحی شده است. در این تحقیق از فرم ویژه دانش‌آموزان استفاده گردید. فرم ویژه دانش‌آموزان دارای ۳۴ گویه سه نمره‌ای با پاسخ‌های هرگز، بعضی اوقات و بیشتر اوقات می‌باشد و شامل ۵ مولفه (همکاری، مسئولیت‌پذیری، جرئت‌ورزی، خودکنترلی و همدلی) است. در این مقیاس به گزینه هرگز نمره (۱)، به گزینه بعضی اوقات (۲) و به گزینه بیشتر اوقات نمره (۳) تعلق می‌گیرد و دامنه نمرات از ۱ تا ۱۰۲ می‌باشد، هرچه نمره فرد در این آزمون بالاتر باشد، فرد دارای مهارت‌های اجتماعی بیشتری است. اعتبار این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ محاسبه شده است (گرشام والیوت، ۱۹۹۰). در ایران، اعتبار آن باروش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ گزارش شده است (شهیم، ۱۳۸۱). در این پژوهش برای برآورد پایایی آزمون مهارت‌های اجتماعی از ضریب آلفای کرونباخ، در یک نمونه ۴۰ نفری اجرا گردید، ضریب پایایی آن ۰/۷۹ به دست آمد.

یافته‌ها

در بررسی پیش‌فرض‌های تحلیل کواریانس، نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تک متغیری نشان داد که توزیع نمرات آزمون مهارت‌های اجتماعی دارای توزیع نرمال است $P > 0/05$ نتایج آزمون لون در سطح احتمال ۰/۰۵ نشان داد که گروه‌ها از لحاظ پراکنش واریانس تفاوت معنی‌داری نسبت به هم ندارند. همچنین سطح معنی‌داری آزمون مهارت‌های اجتماعی در مفروضه همگنی شیب رگرسیون برابر ۰/۴۱ است که از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است و پیش‌فرض همگنی شیب رگرسیون محقق شده است.

1- Bosacki

جدول (۱) آماره‌های توصیفی نمرات آزمون مهارت‌های اجتماعی

شاخص (گروه)	تعداد	میانگین		انحراف معیار		خطای استاندارد میانگین		واریانس
		پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	
آزمایشی	۶۲	۶۸/۹۶	۸۱/۰۴	۷/۳۷	۷/۱۳	۰/۹۳۶	۰/۹۰۶	۵۴/۳۲
کنترل	۶۲	۷۵/۴۶	۷۴/۷۹	۶/۲۰	۶/۲۸	۰/۷۸۱	۰/۷۹۸	۳۸/۵۱

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که میانگین نمرات گروه آزمایشی سیر صعودی دارد اما میانگین نمرات گروه سیر نزولی دارد. این نتیجه حاکی از آن است که پیشرفت ایجاد شده معنادار است و روش یادگیری مشارکتی تأثیر قابل توجهی بر آزمودنی‌های گروه آزمایشی داشته است.

جدول (۲) آماره‌های توصیفی نمرات آزمون مهارت‌های اجتماعی با توجه به سبک‌های شناختی

شاخص (گروه)	تعداد	میانگین		انحراف معیار		خطای استاندارد میانگین		واریانس
		پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	
آزمایشی وابسته به زمینه	۲۲	۶۸/۸۸	۸۵/۴۴	۸/۱۱	۸/۳۱	۱/۵۶	۱/۵۹	۶۵/۹۲
وابسته به زمینه	۴۰	۷۵/۹۷	۷۹/۱۹	۶/۶۸	۶/۱۹	۱/۱۲	۱/۰۴	۴۴/۶۷
کنترل وابسته به زمینه	۴۱	۷۴/۲۱	۸۰/۹۸	۵/۶۸	۶/۰۶	۰/۹۱	۰/۹۷	۳۲/۳۱
وابسته به زمینه	۲۱	۷۳/۶۱	۷۱/۴۳	۵/۷۴	۶/۱۹	۱/۲۵	۱/۳۵	۳۲/۹۴

نتایج جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که میانگین نمرات گروه وابسته به زمینه در هر دو گروه آزمایشی و کنترل سیر صعودی دارد اما میزان افزایش گروه آزمایشی بیشتر از گروه کنترل است. این مساله نشان می‌دهد که روش مشارکتی تأثیر قابل توجهی بر رشد مهارت‌های اجتماعی آزمودنی‌های گروه آزمایشی باسبک وابسته به زمینه داشته است. میانگین نمرات آزمودنی‌های وابسته به زمینه گروه آزمایشی نسبت به گروه کنترل افزایش یافته است، اما میزان این افزایش بسیار کمتر از گروه وابسته به زمینه است.

جدول (۳) خلاصه تحلیل کواریانس یک راهه نمرات مهارت‌های اجتماعی

اثر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری	مجذورات
پیش‌آزمون	۳۴۹۵/۱۹	۱	۳۴۹۵/۱۹	۲۰۸/۷۵۲	۰/۰۱	۰/۶۳
گروه	۳۸۹۱/۹۳	۱	۳۸۹/۹۳	۲۳۲/۴۴۷	۰/۰۲	۰/۶۵

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود ($P < 0/05$) و $F(1, 121) = 232/447$ و $F(1, 121) = 232/447$ و (مجذور اتا ۰/۶۵) اثر گروه با اطمینان ۰/۹۵ معنادار است. بدین معنا که میان نمرات آزمون مهارت‌های اجتماعی گروه آزمایشی و کنترل پس از خنثی کردن اثر پیش‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول (۴) خلاصه تحلیل کواریانس دوره‌ای آزمون مهارت‌های اجتماعی

اثر	جمع مجذورات	درجه آزادی	مقدار F	میانگین مجذورات	سطح معنی‌داری	مجذورات
پیش‌آزمون	۳۵۲۲/۵۶	۱	۲۱۰/۳۱۵	۳۵۲۲/۵۶	۰/۰۰۰	۰/۶۳
سبک یادگیری	۱۰/۰۴۰	۱	۲/۵۹۹	۱۰/۰۴۰	۰/۳۴	۰/۰۵۹
گروه	۳۴۹/۱۳	۱	۲۰۸/۷۳	۳۴۹/۱۳	۰/۰۰۲	۰/۶۳
گروه×سبک	۱۲۷/۰۵۶	۱	۵۴/۰۵۶	۱۲۷/۰۵۶	۰/۱۷	۰/۳۲

با توجه به نتایج جدول ($P < 0/05$) و $F(1, 119) = 54/056$ و (مجذور اتا برابر با ۰/۳۲) اثر تعاملی گروه×سبک یادگیری با اطمینان ۰/۹۵ معنادار نیست بدین معنا که بین مهارت‌های اجتماعی گروه‌های آزمایشی و کنترل با در نظر گرفتن سبک یادگیری، تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول (۷) آزمون تعقیبی شفه برای تفاوت میانگین پس‌آزمون مهارت‌های اجتماعی گروه‌ها

گروه ۱	گروه ۲	تفاوت میانگین خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
آزمایشی (وابسته به زمینه) کنترل (وابسته به زمینه)	۰/۸۶۴	۱/۷۳۳	۰/۰۰۲
آزمایشی (نابسته به زمینه) کنترل (نابسته به زمینه)	۵/۸۶۱	۱/۷۰۲	۰/۰۰۰

جدول (۷) نتایج آزمون تعقیبی شفه برای بررسی تفاوت‌های جفتی میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی در گروه‌های مختلف ارائه شده است. نمره مهارت‌های اجتماعی گروه آزمایشی از گروه کنترل با سبک وابسته به زمینه بزرگ‌تر است و تفاوت میانگین در دو گروه با سبک وابسته به زمینه برابر با $0/864$ و در سطح کمتر از $0/05$ معنادار است. نمره مهارت‌های اجتماعی گروه آزمایشی از گروه کنترل با سبک وابسته به زمینه بزرگ‌تر است و تفاوت میانگین در دو گروه با سبک وابسته به زمینه برابر $5/861$ و در سطح کمتر از $0/05$ معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور بررسی اثربخشی روش یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان انجام گرفت. اولین بخش از یافته‌های پژوهشی در تحلیل توصیفی داده‌ها نشان داد که بین میانگین دو گروه آزمایشی و کنترل از نظر آماری تفاوت معناداری وجود داشته است. در تحلیل استنباطی داده‌ها و آزمون فرضیه سوم پژوهشی که با استفاده از تحلیل کواریانس یک‌راهه انجام گرفت، مشخص شد که بین میانگین نمرات پس‌آزمون مهارت‌های اجتماعی گروه‌های آزمایشی و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد و آزمودنی‌های گروه آزمایشی از مهارت‌های اجتماعی بالایی نسبت به گروه کنترل برخوردارند که نشان از تأثیر روش مشارکتی بر افزایش نمرات مهارت‌های اجتماعی دارد. بنابراین، فرضیه تحقیق تأیید شد. نتیجه‌گیری در مورد این فرضیه با یافته‌های فهامی و عزتی (۱۳۸۸)، کرامتی (۱۳۸۶)، قلتاش (۱۳۸۳)، لیاقتدار و همکاران (۱۳۸۳)، شکاری (۱۳۹۱)، سرمستی (۱۳۹۰)، آرتوت (۲۰۱۰)، تکمین و گونیسو^۱ (۲۰۱۰)، کاگان (۲۰۰۱)، جانسون و جانسون (۲۰۰۹) و هیل (۲۰۰۰) همسویی دارد و نشان‌دهنده تأثیر مثبت روش یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی است.

علاوه بر یافته‌های پژوهشی فوق در زمینه اثربخشی یادگیری مشارکتی مبنای نظری وجود دارد که بنابر دیدگاه شناختی-اجتماعی بندورا، افراد می‌توانند با مشاهده عملکرد

1- Tekmen & Guneyusu

همسالان خود به کسب مهارت‌ها و اطلاعات آنها بپردازند زمانی که موفقیت خود یا دوستانشان تقویت می‌شود اشتیاق بیشتری برای انجام آن کار پیدا می‌کنند. دانش‌آموزان در روش مشارکتی در گروه‌هایی که از افرادی شبیه به خود تشکیل شده است می‌توانند الگوهای مناسبی جهت الگوبرداری رفتارهای اجتماعی و اخلاقی آنها بیابند. همچنین نتایج مطالعات پیاژه و ویگوتسکی نشان داد افرادی که روابط خوب با بزرگسالان و همسالان خود برقرار می‌کنند، تعدادی از پیامدهایی مانند دوستی، توانایی در تنظیم عواطف و آگاهی اجتماعی (توانایی تشخیص منافع عمومی و فعالیت گروه)، مهارت‌های اجتماعی (مهارت‌های ارتباطی، گرایش به جمع، گفتگو و جلوگیری از برخورد با دیگران) و تعاملات اجتماعی در جهت توجه به دیگران را به‌طور عملی نشان داد (وایت برد، ۱۳۸۴). به‌عبارت دیگر، یادگیری شیوه‌های تعامل و تبادل افکار با همسالان و گسترش دوستی در بین اعضای گروه بخشی از پیامدهای مثبت روش مشارکتی است. با استفاده از این روش، دانش‌آموزان می‌توانند به اظهار نظر اندیشه‌های خود بپردازند، از آنها دفاع کنند، تحمل اختلاف نظرات دیگران و احساس پذیرش اندیشه‌های دیگران را کسب نمایند. همچنین دانش‌آموزان در روش مشارکتی می‌آموزند که به یکدیگر احترام بگذارند، از یکدیگر قدردانی کنند و برای موفقیت در محیط کار و ارتباطات اجتماعی به جای رقابت با یکدیگر به مشارکت بپردازند که این ارتباط به زایش اندیشه‌ها و تأثیر متقابل افکار کمک می‌کند. این درحالی است که در شیوه‌های سنتی که عمدتاً رقابت در بین دانش‌آموزان برای موفقیت در ارتباطات اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گیرد، لذا، دانش‌آموزان نمی‌توانند دوستی‌های خود را گسترش دهند و به تعامل و تبادل افکار با همکلاسی‌های خود بپردازند. بخش دیگری از داده‌ها در رابطه با تأثیر یادگیری مشارکتی در تعامل با سبک یادگیری پژوهش نشان داد که بین میانگین‌های دو گروه آزمایشی و کنترل از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد. دانش‌آموزان وابسته به زمینه در گروه آزمایشی نسبت به وابسته به زمینه از مهارت‌های اجتماعی بالاتری برخوردار بودند. تأثیر یادگیری مشارکتی در تعامل با سبک‌های یادگیری بر مهارت‌های اجتماعی معنادار نبوده

1- Witheborde

است. یافته‌های این فرضیه با یافته‌های اسلاوین^۱ به نقل از سیف (۱۳۸۹) همسویی ندارد که نتایج این پژوهش نشان داد که در شرایطی که سبک یادگیری آزمودنی‌ها وابسته به زمینه باشد، افراد در روابط با دیگران حالت مشارکتی دارند. این یافته‌ها موید مبانی نظری موجود در زمینه سبک‌های یادگیری است. طبق نظر آیرسمن وون میندن^۲ (۱۹۹۵)، فراگیران وابسته به زمینه متکی به مراجع بیرونی (بزرگسالان و همسالان) هستند که آنها را هدایت کنند، در حالی که فراگیران نوابسته به زمینه بیشتر به مراجع درونی (توانایی خود) اتکا دارند. بنابه نظر ویتکن وگودیناف، افراد وابسته به زمینه موضوعات اجتماعی را بهتر یاد می‌گیرند و در موقعیت‌های آموزشی مانند بحث و مطالعات گروهی که در ارتباط متقابل با همکلاسی‌ها هستند، عملکرد بهتری دارند، در حالی که افراد نوابسته به زمینه، موضوعات اجتماعی را فقط برای رفع تکلیف یاد می‌گیرند (به نقل از امامی‌پور و شمس اسفندآباد، ۱۳۸۶).

این پژوهش همانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی بود که می‌توان به عدم آشنایی معلمان و شاگردان با روش یادگیری مشارکتی، عدم وجود زمینه مناسب برای اجرای این روش در نظام آموزشی کشور اشاره کرد لذا، پیشنهاد می‌شود که سیاستگذاران امرآموزش و پرورش با ایجاد تغییراتی در روش‌های تدریس معلمان، کمیت و کیفیت آموزش را به‌نفع افزایش پیشرفت تحصیلی و رشد مهارت‌های اجتماعی سوق دهند و از روش مشارکتی به‌عنوان یک روش فعال تدریس استفاده به‌عمل آورند. زیرا فراگیران احساسات مثبتی درباره خود و دیگران دارند و مهارت‌های کار در فعالیت‌های گروهی، همکاری، مسئولیت‌پذیری و احترام به دیگران را کسب می‌کنند و استفاده از روش مشارکتی می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. به محققان پیشنهاد می‌شود اثربخشی این روش را در زمینه رشد مهارت‌های اجتماعی در ارتباط با سبک‌های وابسته به زمینه و نوابسته به زمینه و دیگر سبک‌های یادگیری بررسی کنند تا بهتر بتوانیم با انطباق روش‌های تدریس خود را با سبک‌های یادگیری فراگیران در زمینه رشد مهارت‌های

1- Slavin

2- Ayersman & Von Minden

اجتماعی و افزایش پیشرفت تحصیلی و کاهش رفتارهای مخل نظم در کلاس متمر ثمر
واقع بشویم.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۲/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۱/۱۵

References

منابع

- امامی پور، سوزان و حسن شمس اسفندآباد (۱۳۸۶). سبک‌های یادگیری و شناختی (نظریه‌ها و آزمون‌ها). تهران: انتشارات سمت.
- بیابانگرد، اسماعیل؛ شکیبا، ابوالقاسم (۱۳۸۱). تأثیر روش آموزش دوجانبه بر درک مطلب خواندن و رشد اجتماعی دانش‌آموزان نارساخوان پایه پنجم ابتدایی منطقه جوبین سبزوار. فصلنامه پژوهشکده کودکان استثنایی، سال دوم، شماره ۲.
- حسینی نسب، سیدداوود و سلطانی، اکبر (۱۳۹۰). تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره راهنمایی. اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۷، شماره ۳، صص: ۲۹-۹.
- سرمستی، ژیلا (۱۳۹۰). بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی در درس هدیه‌های آسمانی و رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تبریز.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۹). روانشناسی پرورشی نوین (روانشناسی یادگیری و آموزش). تهران: نشر دوران.
- شکاری، عباس (۱۳۹۱). تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر دبیرستانی. فصلنامه راهبردهای آموزشی، دوره ۵، شماره ۱، صص: ۳۷-۳۱.
- شهیم، سیما (۱۳۸۱). بررسی مهارت‌های اجتماعی در گروهی از دانش‌آموزان نابینا از نظر معلمان. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، سال سی و دو، شماره ۱.
- فهامی، ریحانه، عزتی، محسن (۱۳۸۸). تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مولفه‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی ناحیه ۵ شهر اصفهان. فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال دوم، شماره ۴، ۶۳-۷۶.
- قلناش، علی (۱۳۸۳). بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران.
- کرامتی، محمدرضا (۱۳۸۶). تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ریاضی دانش‌آموزان پایه پنجم. مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۳۹(۲)، ۳۱-۴۹.

لیاقتدار، محمد جواد؛ عابدی، محمد رضا؛ جعفری، ابراهیم و بهرامی، فاطمه (۱۳۸۳). مقایسه میزان تأثیر روش تدریس بحث گروهی با روش سخنرانی بر پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های ارتباطی دانشجویان. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، سال دهم، شماره سوم، شماره پیاپی ۳۳.

وایت برد، دیوید (۱۳۸۴). روانشناسی یاددهی و یادگیری، سازماندهی محیط یادگیری. ترجمه: محمود تلخایی و مقصود خدایاری. تهران: نشر ایبژ.

Artut, Perihan (2010). Experimental evaluation of the effects of cooperative learning on kindergarten children mathematics ability. *International Journal of Educational Research*, 48(5). pp: 370-380.

Arsalan, Tekin, SucoGlu, Bulbin, (2007). Effectives of cognitive process approach of social skills training program for people with mental retardation. *International Journal of special Education*. Vol, 22.

Agoratus, L. (1999). Working together corportions and special needs organizations that open the doors to a divers workplace. *Exptional parent*, 29(12), 34, pp: 36-37.

Aydogan, Yasemin, Klinc F.E., & Tepetas, S. (2009). Identifying parent views regarding social skills. *Procedia social and Behavioral Sciences*, 1(2009) pp: 1507-1512.

Ayersman, D.J., & VonMinden, A. (1995). Individual differences, computers, and instruction. *Behavior Computer in Human*, 11(3/4), 371-390.

Bosacki, S., Innerd, W. & Towson, S. (1997). Field independence-Dependence and self esteem in preadolescents: Dos gender make a difference? *Journal of Youth and Adolescence*, 26(6), 691-703.

Brighton, Hillary (2010). Communication Skills for Health and Social care. *Journal of social work*. P://JSW.sagpub.com/cotent/10/1/128.

Ciman, Nesrin, Kocyigit, Sinan (2010). A study on the achievement level of social skills objectives and outcome in the preschool curriculum for six years old. *Journal of Social and Behavioral Sciences*. 2(14), 5612-5618.

Cole, J.D. & Dodge, K.A. (1988). Multiple sources of data on social behavior and social status, in the school: Across-age comparison. *Child Development*, 59, 815-829.

-
- Fussel, J.J. Macias, M.M: Saylor, C.F. (2005). Social skills and Behavior Problems in Children with Disabilities with and without Siblings. *Child Psychiatry and human development*. 36(2), 227-241.
- Ghaith, G.M. (2002). The relationship between cooperative learning, perception of social support, and academic achievement. 3(2002), pp: 263-273. Available on:www.elsevier.com/locate/system.
- Gresham, F.M. (1981). Social skills training with handicapped children: A review. *Review of Educational Research*, 51(1), 139-176.
- Gresham, F.M, & Elliott, S.N. (1990). The social Skills Rating System. Circle Price, MN: American Guidance Service.
- Guneysu, Sibel, Tekmen, Belkis. (2010). Implementing an alternative cooperative learning method. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2(13), 5670-5674
- Henssey, B.A. (2007). Promoting social competence in school-aged Children: The effects of the open circle program. *Journal of School Psychology*, 45(12), pp: 349-360.
- Henry, Mary (2005). Cooperative learning and case study: does the combination improve student perception of problem-solving and decision making skills? *Journal of Nurse Education Today*, 25(2), pp: 238-246.
- Hill, K.A. (2000). Cooperative learning as a mean of improving social skill Among Midd Grade student. <http://www.Usoe.K12.ut.us/oals2000/Kathy-Hill-cooperative-learning.htm>.
- Johnson, D.W. & Johnson, R.T. (2009). An Overview of Cooperative learning. <http://www.cooperation.org/pages/overview-paper.html>.
- Johnson, D.W. & Johnson, R. (2000). *Cooperative Learning methods: A meta-analysis*. University of minesota.
- Kamps, D.M. & Kay, P. (2002). *Preventing problems through social skills Instruction*. In B. Algozzine & p.Kay (Eds), *Preventing problem Behaviors: A Handbook of Successful Prevention Strategies*. Thousand Oaks, CA: Corwin press, Inc.
- Kagan, Spencer. (2001). Kagan Structures for emotional intelligence.<http://www.Kagan-cooperative-learn.com>.
-

-
- Liegle, J.O. & Janicki, T.N. (2006). The effects of learning styles on the navigation needs of web-based learners. *Computers in Human Behavior*, 22, 885-898.
- Malecki, C.K., & Elliott. S. (2002). Children's social behavior as predictor of academic achievement: A longitudinal analysis, *Social Psychology Quarterly*, 17, 1-23.
- Matson, J.L., Mayvill, S.B., & Laud, R.B. (2003). A system of assessment for adaptive behavior, social skills, behavioral function, medication side-effects, and psychiatric disorders. *Research in Developmental Disabilities*, 24, 75-81.
- Milsom, Amy, Gianville, Jenifer (2010). Factors Mediation the Relationship between Social Skills and Academic Grades in a Sample of Students Diagnosed with learning Disabilities or Emotional Disturbance. *Remedial and Special Education* 2010, 31(4), 241-251.
- Santrock, John.W. (2011). *Educational Psychology*. McGraw Hill.
- Secer, Zarife; Celikoz, Nadir; Kocyigit, Sezai & Fatri Secer (2009). Social Skills and problem behavior of children with different cognitive styles who attend preschool education. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 1(2009) 1554-1560.
- Spence, S.H, (2003). Social Skill Training with Children and Young people: Theory, Evidence and practice. *Child and Adolescent Mental Health*. 8, 2, 84-96.
- Teodoro, M.L.; Kappler, K.C; Rodrigues, J.L. & Haase, V.G. (2005). The Matson Evaluation of Social skills with Youngsters (MESSY) and its adaptation for Brazilian children and adolescents. *International Journal of Psychology*, 39, 2, 246-239.
- Witkin, H.A., Oltman, P. & K.raskin. E. (1971). Group embedded figures test manual. *Consulting Psychology*, 32(3), pp: 128-142.
- Yazicilar, Ozge & Guven, Bulent. (2009). The effects of learning style activities on achievement, attitude and recall level. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 1(2009), pp: 2578-2583.
-

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

نورنگه آفریدی

کارگاه آنلاین
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

نورنگه آفریدی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

نورنگه آفریدی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو